

یکشنبه 7 دی 1399-11 جمادی الاول 1442-27 دسامبر 2020

شهادت روحانی مجاهد، آیت الله "حسین غفاری" در زندان رژیم پهلوی (1353ش)



شهادت روحانی مجاهد، آیت الله "حسین غفاری" در زندان رژیم پهلوی (1353ش)، آیت الله شیخ حسین غفاری در سال 1295 ش برابر با 1335 ق در آذرشهر تبریز متولد گردید. وی در ابتدا در کنار تحصیل، کار می‌کرد و زندگی فقیرانه‌ی وی داشت. ایشان پس از مدتی تصمیم گرفت برای بهره‌رسانی از استادان حوزه علمیه قم راهی این شهر گردد. از این رو، وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر استادانی چون محمد فیض قمی، سید محمد تقی خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، سید احمد خوانساری، سید حسین بروجردي و امام خمینی (ره) بهره‌رسانی‌ها و فوایدی یافت و به درجات بالایی علمی رسید. این روحانی والا مقام که در کمال سادگی و قناعت زندگی می‌کرد، به خاطر ظلم و ستم رژیم وابسته پهلوی، با انتشار مجله و تألیف کتب متعدد، به مبارزه با رژیم شاه پرداخت. وی در کنار عالمان مجاهدی همچون عبدالرحیم ربانی شیرازی، سید محمود طالقانی، سید محمد علی قاضی طباطبایی، سید اسدالله مدنی، علی قدوسی و مرتضی مطهری و... مبارزات خود را ادامه داد و تهدیدات رژیم، هراسی به دل او نیافکند. ایشان همچنین با سخنرانی‌ها و کتب متعدد، مظلوم و مفساد رژیم شاه را افشا کرد. آیت الله غفاری در جریان نهضت مقدس امام خمینی (ره) بارها به زندان افتاد و شکنجه‌ها و سختی‌ها را متحمل شد. مزدوران پهلوی برای در هم شکستن اراده این عالم مجاهد، فرزندان، برادر و همسرش را نیز دستگیر کردند اما آیت الله غفاری، چونان کوه استوار و پرصلابت ایستادگی می‌کرد و این رنج و درد را در راه هدف والا و مقدس، به جان خرید. به طور کلی حبس‌ها و شکنجه‌ها از سال 1340 آغاز و تا پایان عمر به مدت سیزده سال ادامه یافت. آیت الله غفاری در طول سال‌ها و شکنجه‌ها روحی و جسمی مقاومت می‌نمود و وقتی در زندان، نظر ایشان را درباره امام خمینی (ره) سوال کردند گفت: من فکر می‌کنم تنها کسی که می‌تواند ایران را نجات دهد، آیت الله خمینی است. و نیز جمله شجاعانه و قهرمانانه او که فرمود: "دشمن خمینی کافر است" کمر استبداد شاهي را شکست. در نهایت، رژیم که از به زانو درآوردن این اسوه پایداری ناامید شده بود تصمیم به شهادت ایشان گرفت. سرانجام این مجاهد سخت‌کوش و روحانی مبارز، پس از تحمل شکنجه‌ها و وحشتناک عوامل مزدور پهلوی، در هفتم دی ماه 1353 ش 58 سالگی به شهادت رسید و در قم به خاک سپرده شد.

فرمان امام خمینی برای تشکیک نهضت سوادآموزی (1358ش)، در هفتم دی ماه 1358، حضرت امام، فرمان بسیج عمومی برای مبارزه با بی‌سوادی در کشور و تشکیل نهضت سوادآموزی را صادر کردند. در این فرمان، به همه مردم ایران، توصیه شده بود که در این نهضت مردمی شرکت کنند و در باسواد کردن افراد بی‌سوادی، بکوشند. براساس آخرین گزارش‌ها، میزان باسوادی در ایران به طور چشمگیری افزایش یافته و ایران اسلامی از چهارچوب کشورهای بی‌سوادی جهان خارج و در ردیف کشورهای باسواد قرار گرفته است. در سال 1355 تنها 47 درصد جمعیت شش سال به بالا با سواد بوده‌اند که این رقم در آغاز دهه سوم انقلاب اسلامی، هشتاد درصد می‌باشد.

سوادآموزی، تنها فرایند یادگیری مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن نیست؛ بلکه کمک کردن به آزادسازی انسان و رشد کامل اوست. سوادآموزی، شرایط مناسب را برای کسب آگاهی انتقادی از تضادهای جامعه ای به وجود می‌آورد که فرد در آن زندگی می‌کند. همچنین، سوادآموزی انسان را برمی‌انگیزد تا با مشارکت فعال و بهره‌گرفتن از نیروی نوآوری، طرح‌هایی بیافریند که می‌تواند در متحول ساختن جهان مؤثر باشد. در مجموع، سوادآموزی حق اساسی هر انسان است. سوادآموزی و به طور کلی آموزش و پرورش، یکی از ابزارهای اصلی برای تمام دگرگونی‌های اجتماعی است. سوادآموزی، عملی سیاسی است؛ یعنی مشارکت انسان، در ساختن هدف‌ها و ایجاد محیط و شرایط مناسب زندگی. سوادآموزی در ایران، از سال 1315 شمسی، با تشکیلات سازمان تعلیمات اکابر آغاز شد. در آن زمان، این بخش از وظیفه سوادآموزی، از ادارات مربوط به وزارت معارف به شمار می‌رفت، ولی پس از مدتی، چون توفیق چشم‌گیری نداشت، منحل شد. سرانجام بعد از انقلاب به رهبری امام خمینی رحمه الله نهضت سوادآموزی پایه‌گذاری شد و فصل جدیدی را در تاریخ انقلاب ما گشود. این نهضت در ابتدا در قالب نهادی مستقل کار خود را آغاز نمود و سپس در سال 1361، به آموزش و پرورش پیوست. همکاری این نهاد انقلابی با آموزش و پرورش، به صورت کار مشترک آغاز و سبب شد که تلاش وسیع‌تری در مجموع کشور شروع و خوش‌بختانه دستاوردهای بزرگی نصیب ملت شایسته و انقلابی ایران شود.

تولد عالم شهاب و دانشمند بزرگ ادبی، خواجه نصیرالدین طوسی (597 ق)، محمد ابوجعفر مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی معروف به محقق طوسی و استاد البیرونی در طوس زاده شد. پس از آن که عطش علمی وی در زادگاهش برطرف نگردید راهی نیشابور گردید و از اساتید آن سامان بهره‌گرفت. بعدها به ری، اصفهان و قم و سرانجام به عراق عزیمت نمود و خوشه چین معارف آنان گردید. محقق طوسی پس از

تأسیس، "بنگاه گالوپ" معتقد بود، و بزرگترین مؤسسه آمارگدی همان (1935م) از جمله روش‌های آماری در روان‌شناسی اجتماعی، مراجعه به عقاید و آراء عمومی است. روان‌شناسان اجتماعی تلاش کرده‌اند با استفاده از فنون و روش‌های آزمایشی، راه‌های برای اندازه‌گیری و توجیه رفتار انسان‌ها به دست آورند. در این راستا، منشاء پیدایش و چگونگی شکل‌گیری عقاید و افکار، تأثیر روابط بین‌المللی بر افراد و مسائلی از این قبیل مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی به طور عام و یا وضعیت رفتار و اخلاق یک فرد، به طور خاص ضمن مراجعه به مردم آن جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. استخراج عقاید و آراء عمومی به این صورت، به ویژه در امور سیاسی و تجاری، رواج یافته و فراگیر شده است. بر این اساس، جورج هاوس گالوپ یکی از متخصصین استفاده از روش‌های آماری در مطالعه افکار و عقاید عمومی، در 27 دسامبر 1935م مؤسسه استخراج عمومی را بنیاد نهاد که به نام خود وی گالوپ خوانده می‌شود. مخارج این مؤسسه از حق اشتراک مؤسسات تبلیغاتی و تولیدی در ایالات متحده آمریکا تأمین می‌شود. بسیاری از کشورهای جهان در مواردی گوناگون، جهت اطلاع از افکار عمومی به این مؤسسه مراجعه می‌کنند. با این حال گالوپ به عنوان بزرگ‌ترین و معتبرترین مرکز آمارگیری جهان در رابطه با افکار عمومی، غالباً در خدمت اهداف و منافع قدرت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا قرار گرفته و در جهت مطامع آنان گام برمی‌دارد.

حمله‌ی وحشیانه‌ی مغول به ایران، به دعوت یکی از حکام فرقه‌ی اسماعیلیه راهی قهستان شد و در مدت 26 سالی که در این قلعه‌ها به سر برد، کتاب‌های متعددی را به رشته‌ی تحریر درآورد. پس از حمله‌ی مغول، هلاکوخان وی را در شمار بزرگان خود قرار داد و خواجه با استفاده از این موقعیت از قتل عام مردم، علما و نیز ویران ساختن اماکن علمی و فرهنگی جلوگیری می‌نمود. خدمات گسترده‌ی خواجه بسیار وسیع و در سطوح مختلف انجام گرفته است. سرانجام این عالم نستوه در 18 ذی قعدة 673 ق در بغداد وفات یافت و در جوار مرقد مطهر حضرت امام موسی کاظم(ع) در خاک آرمید.